

به نام خدا

# ارتباط مؤثر در کلاس درس: از نظریه تا عمل برای خلق یادگیری معنادار

مولفان:

سمیرا اسلانی کتولی

فائزه السادات حسینی

فاطمه سروری منش

بهزاد مهدنور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[Chaponashr.ir](http://Chaponashr.ir)

سرشناسه: اسلانی کنولی، سمیرا، ۱۳۶۲  
عنوان و نام پدیدآورندگان: ارتباط مؤثر در کلاس درس: از نظریه تا عمل برای خلق یادگیری معنادار /  
مولفان: سمیرا اسلانی کنولی، فائزه السادات حسینی، فاطمه سروری منش، بهزاد مهدنور  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۷۴۹-۳  
شناسه افزوده: حسینی، فائزه السادات، ۱۳۷۲  
شناسه افزوده: سروری منش، فاطمه، ۱۳۶۸  
شناسه افزوده: مهدنور، بهزاد، ۱۳۷۲  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: ارتباط مؤثر در کلاس درس - از نظریه تا عمل - خلق یادگیری معنادار  
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: ارتباط مؤثر در کلاس درس: از نظریه تا عمل برای خلق یادگیری معنادار  
مولفان: سمیرا اسلانی کنولی - فائزه السادات حسینی - فاطمه سروری منش - بهزاد مهدنور  
ناشر: انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۷۴۹-۳  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

مقدمه .....	۵
فصل اول: مبانی نظری ارتباط در محیط آموزشی .....	۹
تعریف و اهمیت ارتباط مؤثر در کلاس درس .....	۱۱
نظریه‌های کلاسیک و نوین ارتباط .....	۱۲
نقش زبان بدن و علائم غیرکلامی .....	۱۴
ارتباط معلم و دانش‌آموز در فرآیند یادگیری .....	۱۷
ارزیابی اثربخشی ارتباط در محیط آموزشی .....	۲۰
فصل دوم: مهارت‌های ارتباطی معلم .....	۲۳
گوش دادن فعال و مؤثر .....	۲۶
بیان واضح و قابل فهم مفاهیم .....	۲۹
مدیریت گفتگو و پرسش و پاسخ .....	۳۰
تقویت همدلی و شناخت تفاوت‌های فردی .....	۳۳
بازخورد سازنده و تشویق به یادگیری .....	۳۴
فصل سوم: ارتباط دانش‌آموزان و تعامل همکلاسی‌ها .....	۳۹
تشویق به مشارکت فعال .....	۴۲
ایجاد محیط احترام‌آمیز و امن .....	۴۵
حل تعارض و مدیریت اختلافات .....	۴۸
تقویت همکاری و کار گروهی .....	۵۱
تأثیر تعامل همکلاسی‌ها بر انگیزش و یادگیری .....	۵۵

۵۹	فصل چهارم: فناوری و ابزارهای ارتباطی در کلاس درس
۶۲	کاربرد فناوری‌های نوین در ارتباط آموزشی
۶۶	استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای انتقال مفاهیم
۷۰	ارتباط از راه دور و کلاس‌های آنلاین
۷۴	تعادل بین ابزارهای سنتی و دیجیتال
۷۷	ارزیابی تأثیر فناوری بر تعامل و یادگیری
۸۳	فصل پنجم: پیاده‌سازی راهبردهای عملی برای یادگیری معنادار
۸۶	طراحی فعالیت‌های ارتباطی هدفمند
۹۰	استفاده از روش‌های فعال یاددهی-یادگیری
۹۳	تدوین برنامه‌های بازخورد مستمر
۹۵	ارزیابی یادگیری و اصلاح راهبردها
۹۷	توسعه مهارت‌های ارتباطی بلندمدت در دانش‌آموزان
۹۹	نتیجه‌گیری
۱۰۳	منابع

## مقدمه

ارتباط مؤثر در فضای آموزشی بنیانی عمیق برای ایجاد مسیر یادگیری معنادار محسوب می‌شود و این بنیان زمانی قدرت می‌گیرد که جریان تعامل میان عناصر انسانی کلاس در وضعیت پایدار، آرام و هدفمند قرار گیرد. فعالیت آموزشی در محیط کلاسی بدون وجود پیوند روشن میان انتقال مفاهیم و دریافت فعال محتوا معنا پیدا نمی‌کند و این پیوند زمانی شکل می‌گیرد که معلم توانایی هدایت دقیق جریان گفتار، رفتار، توجه و واکنش را در تعامل با فراگیران به‌خوبی ایجاد کند. هر کلاس دارای ساختار پویا و متغیری است که در آن شبکه‌ای از نشانه‌های کلامی و غیرکلامی جریان دارد و این شبکه مسیر ادراک پیام را تعیین می‌کند و هنگامی که این نشانه‌ها به‌صورت هماهنگ به‌کار گرفته شوند زمینه رشد فهم ژرف و پایدار فراهم می‌شود. یادگیری زمانی عمق می‌گیرد که فرد درون فضای آموزشی احساس امنیت، احترام و ارزشمندی کند و این احساس تنها از طریق رفتار سنجیده، گفتار آرام، توجه آگاهانه و تعامل سازنده میان نقش‌های موجود شکل می‌گیرد.

فرآیند انتقال محتوا در بستر آموزشی هنگامی به مرحله مؤثر می‌رسد که مسیر ارائه پیام روشن، بدون ابهام و متناسب با ظرفیت ذهنی فراگیر باشد و این هماهنگی حاصل مدیریت دقیق فضای ارتباطی توسط معلم است که با شناخت موقعیت‌های لحظه‌ای کلاس انجام می‌شود. ارتباط مؤثر نیازمند درک عمیق از نیازهای عاطفی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموز است و این درک تنها در سایه مشاهده دقیق، تحلیل رفتار، توجه به زبان بدن و شناخت شرایط روحی قابل دستیابی خواهد بود. جریان تعامل پویا در کلاس درس موجب تحریک تفکر، افزایش تمرکز، تقویت انگیزه و ایجاد تصویر روشن‌تر از اهداف یادگیری می‌شود و این جریان زمانی استحکام می‌یابد که نقش‌های مختلف کلاس در تعامل فعال با یکدیگر قرار گیرند. ارتباط موفق در کلاس درس مجموعه‌ای از مهارت‌های گفتاری، شنیداری، رفتاری و احساسی را دربرمی‌گیرد که باید با دقت و هماهنگی کامل در موقعیت‌های متنوع آموزشی به‌کار گرفته شوند تا مسیر یادگیری به نقطه مطلوب برسد. حضور معلم در کلاس تنها به انتقال اطلاعات محدود نمی‌شود بلکه نقش او در تنظیم روابط انسانی، ایجاد آرامش روانی، تقویت احساس خودارزشمندی و هدایت تعامل سازنده نقشی اساسی در کیفیت یادگیری دارد و این نقش با قدرت ارتباطی تحقق می‌یابد.

یادگیری معنادار بر بستری شکل می‌گیرد که در آن فراگیر توانایی پیوند دادن مفاهیم جدید با تجربه‌های پیشین را به‌دست آورد و این توانایی نتیجه ایجاد جریان ارتباطی هماهنگ، روشن،

پیوسته و هدفمند است که توسط معلم هدایت می‌شود. ارتباط مؤثر بر پایه توجه کامل به تفاوت‌های فردی شکل می‌گیرد و این توجه موجب می‌شود هر فراگیر فرصت تجربه درک شخصی خود را به دست آورد و مسیر یادگیری بر اساس ظرفیت، علاقه و توانایی او تنظیم شود.

فضای آموزشی زمانی به سطح مطلوب می‌رسد که افراد بتوانند بدون ترس از قضاوت، ایده‌های خود را بیان کنند و این حالت تنها زمانی شکل می‌گیرد که ارتباط میان افراد بر پایه احترام پایدار، همدلی آگاهانه و اعتماد کامل قرار گیرد. اعتماد پایه اصلی تمام بخش‌های ارتباطی در محیط کلاسی است و زمانی ایجاد می‌شود که گفتار معلم با رفتار او همخوان باشد و با ثبات رفتاری خود احساس امنیت روانی را در ذهن فراگیران تثبیت کند. بافت عاطفی کلاس نقش بسیار مهمی در کیفیت یادگیری دارد و این بافت زمانی تقویت می‌شود که ارتباط مثبت، آرام، قابل پیش‌بینی و هماهنگ در تمام لحظات جریان داشته باشد و هر تغییر کوچک در آن بلافاصله مدیریت شود. کیفیت ارتباط آموزشی به میزان توجه معلم به نشانه‌های ظریف رفتار دانش‌آموزان وابسته است و این نشانه‌ها می‌توانند اطلاعات مهمی درباره وضعیت شناختی، عاطفی و انگیزشی فراگیر ارائه دهند و مسیر آموزش را دقیق‌تر کنند.

بیان روشن، لحن آرام، ریتم مناسب، انتخاب واژگان سنجیده و کنترل هیجان در گفتار معلم موجب افزایش کیفیت انتقال پیام می‌شود و این کیفیت در عمق یادگیری تأثیر مستقیم دارد.

فضای تعاملی در کلاس زمانی تقویت می‌شود که ارتباط در تمام لحظات جریان داشته باشد و هیچ نقطه‌ای از فعالیت آموزشی بدون حضور ارتباط مؤثر پیش نرود و این حالت توان فهم را افزایش می‌دهد. توانایی معلم در شنیدن فعال بر جریان یادگیری اثر مهمی دارد و شنیدن دقیق موجب می‌شود پاسخ‌های آموزشی بر اساس نیازهای واقعی فراگیران تنظیم شود و مسیر ارتباط هدفمندتر ادامه یابد. یادگیری تنها زمانی معنا می‌یابد که فرد احساس کند پیام دریافت‌شده مربوط به زندگی، تجربه و دنیای ذهنی اوست و این احساس نتیجه طراحی ارتباطی است که در پیوند میان محتوا و واقعیت زنده فراگیر شکل می‌گیرد.

رفتار غیرکلامی در فضای کلاسی سهم بزرگی در انتقال پیام دارد و این رفتار می‌تواند شامل نگاه، حالت چهره، حرکت دست، موقعیت بدن و فاصله باشد و هرکدام معنای خاصی را منتقل می‌کنند که باید آگاهانه مدیریت شوند. ارتباط مؤثر زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ مشارکت در کلاس درس است و این فرهنگ موجب افزایش تعامل، تقویت حس مسئولیت مشترک و ایجاد جریان یادگیری پایدار می‌شود که در تمام فعالیت‌ها جریان دارد.

پویایی ارتباطی در کلاس درس موجب افزایش اشتیاق و انگیزه در فراگیران می‌شود و این پویایی بر اساس طراحی آگاهانه فعالیت‌ها، جهت‌دهی مناسب به گفتگوها و استفاده دقیق از بازخوردهای به‌موقع ایجاد می‌شود. بازخورد به‌عنوان ابزار مهم ارتباطی نقش تعیین‌کننده‌ای در عمق یادگیری دارد و زمانی مؤثر است که با دقت، دلسوزی، احترام و هدف روشن ارائه شود و فراگیر را به سمت اصلاح مسیر هدایت کند. معنا در فضای یادگیری زمانی تثبیت می‌شود که فرد بتواند ارتباطی واضح میان مفاهیم آموزشی و تجربه زندگی خود پیدا کند و این ارتباط نتیجه هدایت دقیق جریان انتقال پیام است.

استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی کلاس موجب افزایش قدرت فهم مشترک می‌شود و این ظرفیت زمانی فعال می‌شود که ارتباط در میان افراد کلاس جریان داشته باشد و هر فرد نقش فعال خود را ایفا کند. بهبود ارتباط در محیط کلاسی نیازمند حضور رفتار حرفه‌ای، آگاهی مداوم و توجه کامل به تمام لحظات آموزشی است و این حضور پیوسته موجب افزایش عمق یادگیری می‌شود.

یادگیری معنادار محصول ارتباطی زنده، پویا، روشن، سنجیده و مبتنی بر احترام است و این محصول زمانی به بالاترین کیفیت می‌رسد که جریان تعامل در تمام لحظات پایدار باقی بماند.



## فصل اول

### مبانی نظری ارتباط در محیط آموزشی

مبانی نظری ارتباط در محیط آموزشی بر پایه سازوکارهای شناختی، عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد و این سازوکارها مسیر انتقال معنا را هدایت می‌کنند و تعیین‌کننده کیفیت یادگیری هستند. هر کنشگر در کلاس درس با دریافت نشانه‌های کلامی و غیرکلامی دیگران، جریان تعامل را تنظیم می‌کند و این جریان موجب ساخت‌وساز ذهنی فعال می‌شود. نظریه‌های ارتباطی بیان می‌کنند که پیام تنها در قالب واژگان منتقل نمی‌شود بلکه شامل رفتار، آهنگ بیان، ریتم گفتار، لحن، حالت بدن و نگاه نیز است و هماهنگی میان این نشانه‌ها موجب شکل‌گیری ادراک دقیق و عمیق می‌گردد.

تعامل پویا میان معلم و فراگیر بر اساس پیش‌فرض‌های شناختی و روان‌شناختی رخ می‌دهد و توجه، انگیزش، آمادگی ذهنی و تجربه‌های پیشین نقش تعیین‌کننده در نحوه دریافت پیام دارند. نظریه‌های یادگیری فعال تأکید می‌کنند که فراگیر نباید دریافت‌کننده منفعل پیام باشد بلکه کنشگری فعال است که با پردازش ذهنی خود معنا می‌سازد و این فرایند معناسازی به توسعه توانایی تحلیل، استدلال و خلاقیت کمک می‌کند. ارتباط مؤثر در کلاس درس زمانی حاصل می‌شود که معلم بتواند جریان پیام را با شناخت تفاوت‌های فردی، ظرفیت‌های عاطفی، انگیزشی و شناختی هر فراگیر هماهنگ کند و این هماهنگی زمینه تعامل مثبت، اعتماد و امنیت روانی را فراهم می‌آورد. نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی یادگیری نشان می‌دهند که انسان در محیط‌های گروهی بیشتر یاد می‌گیرد و تعامل میان اعضا موجب گسترش فهم مشترک، شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و تقویت هویت یادگیرنده می‌شود. هر محیط آموزشی دارای ساختار فرهنگی خاصی است که بر نحوه تفسیر پیام، نوع پاسخ‌دهی و کیفیت تعامل اثر می‌گذارد و نظریه‌های زمینه‌ای ارتباط تأکید دارند که درک این ساختار برای طراحی پیام‌های مؤثر ضروری است. در نظریه‌های شناختی، ارتباط محرک اصلی پردازش ذهنی محسوب می‌شود و زمانی این پردازش

فعال می‌شود که پیام با نیازهای فکری، علاقه‌ها و ظرفیت‌های ذهنی فراگیر همخوان باشد و این همخوانی موجب تشبیت مفاهیم می‌گردد. جعفری، ن. (۱۳۹۷).

نشانه‌های غیرکلامی، شامل حرکات بدن، حالت چهره، تماس چشمی، فاصله فیزیکی و ریتم گفتار، نقش حیاتی در انتقال معنا دارند و مدیریت آگاهانه آن‌ها کیفیت ادراک را بهبود می‌بخشد. نظریه‌های عاطفی یادگیری بیان می‌کنند که حالت احساسی فراگیر هنگام دریافت پیام آموزشی بر درک و یادآوری محتوا اثر مستقیم دارد و مدیریت ارتباط مؤثر می‌تواند احساس مثبت و انگیزه یادگیری را تقویت کند. در نظریه‌های معناساختی، پیام زمانی یادگیری عمیق را فعال می‌کند که فراگیر بتواند آن را با تجربه‌ها، مفاهیم پیشین و ساختار ذهنی خود ترکیب کند و این ترکیب موجب تشبیت و توسعه دانش می‌شود. ارتباط موفق در محیط آموزشی نیازمند تداوم جریان تعامل است و هیچ بخش از درس نباید بدون حضور ارتباط سازنده باقی بماند زیرا این جریان موجب پایداری یادگیری می‌شود.

نظریه‌های تعامل محور بیان می‌کنند که یادگیری محصول فرآیندهای اجتماعی است و تعامل میان افراد زمینه ساخت معنا را فراهم می‌کند و بدون جریان ارتباط هماهنگ این فرآیند مختل می‌شود. رفتار حرفه‌ای معلم در این نظریه‌ها نقش کلیدی دارد زیرا تنظیم فضای روانی، ارائه بازخورد مناسب، هماهنگی کلام و عمل و ایجاد انگیزه در فراگیر مستقیماً به کیفیت ارتباط بستگی دارد. توجه دقیق به نشانه‌های رفتاری فراگیران، از جمله حالات چهره، زبان بدن، میزان مشارکت و پاسخ‌های کلامی، به معلم امکان می‌دهد جریان پیام را بر اساس نیاز واقعی شاگرد تنظیم کند و این توجه موجب ارتقای کیفیت یادگیری می‌شود. نظریه‌های تحولی یادگیری بیان می‌کنند که ارتباط محرک رشد شناختی و اجتماعی است و تعامل انسانی در فضای آموزشی موجب توسعه مهارت‌های ذهنی، انعطاف فکری و مهارت‌های حل مسئله می‌گردد.

ساختار ارتباطی در کلاس درس شامل چرخه‌های ارسال پیام، دریافت، پردازش ذهنی و بازخورد است و هر چرخه تحت تأثیر زمینه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و کیفیت هر مرحله بر مرحله بعدی اثر مستقیم دارد. نظریه‌های فرایندی ارتباط بیان می‌کنند که پیام بدون زمینه قابل فهم نیست و این زمینه شامل محیط فیزیکی، روابط میان افراد، تجربه‌ها، انتظارات و هدف‌های یادگیری است. هدفمندی پیام آموزشی در نظریه‌های یادگیری اساسی تلقی می‌شود زیرا پیام بدون هدف موجب پراکندگی توجه و کاهش فهم عمیق می‌شود. نظریه‌های تعامل محور

تأکید دارند که ارتباط جریان‌دهنده انرژی و انگیزه در فعالیت‌های گروهی است و هر گونه اختلال در آن موجب کاهش مشارکت و تضعیف یادگیری می‌شود. جریان ارتباطی زمانی مؤثر خواهد بود که فراگیر احساس امنیت، ارزشمندی و توانایی برای مشارکت داشته باشد و این احساس از هماهنگی رفتار معلم و پیام نشأت می‌گیرد. انسجام پیام و ثبات رفتار معلم موجب ایجاد اعتماد می‌شود و اعتماد بستر اصلی یادگیری پایدار، مشارکت فعال و انگیزه درونی است. هرگاه نشانه‌های کلامی و غیرکلامی معلم با پیام هماهنگ باشند، ذهن فراگیر مسیر روشن برای پردازش دریافت می‌کند و این پردازش موجب تثبیت مفاهیم و یادگیری عمیق می‌شود. ابراهیمی، م.، حسینی، ف. (۱۳۹۸).

مبانی نظری ارتباط بیان می‌کنند که محیط آموزشی باید پویا، انعطاف‌پذیر و پاسخگو باشد و تعامل میان معلم و فراگیران بدون وقفه و گسست جریان یابد تا تمامی ظرفیت‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی فعال شود. ارتباط مؤثر در کلاس درس نتیجه ترکیب مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و محیطی است و هر مؤلفه در صورت هماهنگی موجب افزایش کیفیت یادگیری، تثبیت دانش و تقویت مهارت‌های اجتماعی می‌شود. نظریه‌ها نشان می‌دهند که تعامل زنده و پیوسته، پردازش فعال، بازخورد دقیق، و انسجام میان پیام و رفتار معلم، همه در هم تنیده‌اند و این تنیدگی پایه یادگیری معنادار و پایدار را فراهم می‌آورد. هر پیام انتقال‌یافته در این چارچوب علاوه بر محتوا، بخشی از ساختار ذهنی، مهارت‌های اجتماعی، توان تحلیل و مهارت‌های شناختی را تقویت می‌کند و جریان یادگیری را پویا و هدفمند می‌سازد.

### تعریف و اهمیت ارتباط مؤثر در کلاس درس

تعریف ارتباط مؤثر در کلاس درس بر پایه تعامل هدفمند میان معلم و فراگیر شکل می‌گیرد و این تعامل هنگامی قدرت می‌گیرد که جریان انتقال معنا با وضوح درونی، هماهنگی رفتاری و آگاهی از زمینه ادراکی شاگرد همراه شود. این الگو جریان دریافت را از سطح انتقال واژه‌ها فراتر می‌برد و آن را به سازه‌ای فعال تبدیل می‌کند که در ذهن فراگیر ساختار یادگیری را شکل می‌دهد. نقش این جریان در آغاز هر فرایند یاددهی پدیدار می‌شود زیرا بدون آن هیچ محتوایی مسیر نفوذ در ذهن را پیدا نمی‌کند و هیچ تغییری پایداری در ساختار شناختی ایجاد نمی‌شود. اهمیت ارتباط مؤثر از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که یادگیری بدون تعامل زنده دچار گسست شناختی می‌شود و این گسست مانع تشکیل الگوهای پایدار در ذهن فراگیر خواهد شد. فضای

کلاس زمانی به نقطه مطلوب می‌رسد که انتقال پیام با نشانه‌های هماهنگ همراه شود و هر نشانه رفتاری بتواند احساس امنیت را افزایش دهد. همین احساس امنیت ذهن را برای جذب محتوا آماده می‌کند و مسیر تبدیل اطلاعات به دانش را سرعت می‌بخشد.

تعریف ارتباط مؤثر در محیط آموزشی همچنین بیان می‌کند که هر پیام باید با نیازهای درونی فراگیر سازگار باشد و این سازگاری زمانی ایجاد می‌شود که معلم شناخت دقیق از وضعیت عاطفی، ظرفیت پردازش و زمینه تجربی شاگرد داشته باشد. چنین شناختی موجب می‌شود مسیر ارتباطی با کمترین تنش و بیشترین همخوانی پیش برود و این آرامش زمینه توجه پایدار را ایجاد کند. توجه پایدار یکی از عناصر اصلی یادگیری عمیق است و تنها در فضای ارتباطی هماهنگ شکل می‌گیرد. خسروی، ب. (۱۳۹۸).

اهمیت این الگو در آن است که هر کلاس با ارتباط قوی به میدان مشارکت تبدیل می‌شود و مشارکت فعال موجب می‌گردد فراگیر نقش سازنده‌تری در جریان یادگیری ایفا کند. این نقش سازنده سطح درگیری ذهنی را افزایش می‌دهد و این افزایش درگیری مسیر فهم را تقویت می‌کند. چنین وضعیتی زمانی ایجاد می‌شود که معلم بتواند در هر لحظه پیام روشن، رفتار هماهنگ و انرژی ثابت ارائه دهد و ذهن فراگیر را بدون فشار در مسیر دریافت قرار دهد. ارتباط مؤثر در تعریف تخصصی خود مجموعه‌ای از نشانه‌های کلامی، غیرکلامی، عاطفی و محیطی است و اهمیت این مجموعه در آن است که ذهن فراگیر از تمامی این مسیرها پیام دریافت می‌کند. هماهنگی این مسیرها تنش روانی را کاهش می‌دهد و کاهش تنش موجب افزایش تمرکز می‌شود. افزایش تمرکز مسیر تحلیل را تقویت می‌کند و این تحلیل ساخت یادگیری معنادار را ممکن می‌شود.

## نظریه‌های کلاسیک و نوین ارتباط

نظریه‌های کلاسیک ارتباط بر اصول پایه‌ای انتقال پیام تمرکز دارند و این اصول شامل فرستنده، پیام، کانال، گیرنده و بازخورد است و هر عنصر در چارچوب ساده، اما اساسی، مسیر جریان اطلاعات را مشخص می‌کند و تحلیل تعامل میان این عناصر، بنیان نخستین فهم فرآیند ارتباطی را شکل می‌دهد. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که موفقیت انتقال پیام وابسته به وضوح ساختاری،

صحت محتوا و قابلیت درک توسط دریافت‌کننده است و هر گونه اختلال در کانال یا خطا در رمزگذاری موجب کاهش کیفیت دریافت می‌شود. رویکردهای کلاسیک بر جنبه‌های کمی و ساختاری ارتباط تمرکز دارند و کمتر به نقش عاطفه، انگیزه و زمینه اجتماعی توجه می‌کنند، اما اهمیت آن‌ها در ارائه مدل‌های پایه‌ای تحلیل پیام انکارناپذیر است و این مدل‌ها مبنای شکل‌گیری نظریه‌های بعدی محسوب می‌شوند. نظریه‌های انتقال خطی ارتباط بیان می‌کنند که پیام‌ها باید به شکل مستقیم و هدفمند به گیرنده برسند و معلم نقش فعال هدایت‌کننده مسیر پیام را ایفا می‌کند و این هدایت موجب کاهش ابهام و افزایش فهم می‌شود. نظریه‌های پسخوراند محور نشان می‌دهند که بازخورد عنصر کلیدی در کامل شدن چرخه ارتباط است و دریافت پاسخ از طرف فراگیر به معلم امکان اصلاح، تقویت و تطبیق پیام‌ها را می‌دهد و این فرایند سبب ایجاد تعامل پویا می‌شود.

در مقابل، نظریه‌های نوین ارتباط، دیدگاه وسیع‌تر، انعطاف‌پذیرتر و چندبعدی ارائه می‌دهند و بر تعاملات اجتماعی، زمینه فرهنگی، ساختار ذهنی و فرآیندهای معناسازی تأکید دارند و پیام را تنها به عنوان داده‌ای منفعل در نظر نمی‌گیرند بلکه آن را جریان فعال معنا می‌دانند که در ذهن دریافت‌کننده پردازش، تحلیل و بازتولید می‌شود. نظریه‌های تعامل اجتماعی بیان می‌کنند که هر ارتباط در کلاس درس تحت تأثیر تعامل میان معلم و فراگیران شکل می‌گیرد و یادگیری نتیجه فعالیت مشترک است و نه تنها انتقال محتوا. این دیدگاه تأکید دارد که نقش معلم هدایتگر فعال است که با تنظیم نشانه‌های کلامی، غیرکلامی، محیطی و عاطفی جریان یادگیری را به سمت درک عمیق هدایت می‌کند. همایونی، ع. (۱۳۹۸).

نظریه‌های ساخت‌گرایانه مدرن معتقدند که دانش از طریق تعامل فعال با مفاهیم و همکاری با دیگران ساخته می‌شود و یادگیرنده در فرایند معنی‌سازی کنشگر اصلی است و معلم تنها به عنوان راهنما عمل می‌کند و محیط کلاس باید انعطاف‌پذیر، پویا و پاسخگو باشد تا ساخت دانش تحقق یابد. نظریه‌های نوین به اهمیت زمینه فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند و هر شاگرد پیام را با توجه به پیش‌زمینه، تجربه‌های قبلی و باورهای خود تفسیر می‌کند و تفاوت‌های فردی می‌تواند مسیر دریافت پیام را تغییر دهد و معلم موظف است این تفاوت‌ها را شناسایی کرده و مسیر ارتباط را بر اساس نیاز واقعی هر فراگیر تنظیم کند. نظریه‌های انتقادی و پسامدرن نیز به نقش قدرت، هنجارهای اجتماعی، سلسله‌مراتب و نقش گروهی توجه می‌کنند و معتقدند که پیام در بستر

اجتماعی معنا پیدا می‌کند و تعامل انسانی علاوه بر انتقال محتوا، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز منتقل می‌سازد. این رویکرد موجب می‌شود معلم آگاهانه بر روی ایجاد فضای برابر، تشویق مشارکت، رفع موانع روانی و تقویت اعتماد به نفس تمرکز کند و در نتیجه یادگیری پایدار شکل گیرد.

نظریه‌های پردازش اطلاعات در دیدگاه نوین ارتباط، بر نحوه دریافت، رمزگذاری، ذخیره و بازیابی پیام تأکید دارند و معتقدند که ذهن فراگیر در هنگام مواجهه با پیام، سلسله‌ای از پردازش‌ها را انجام می‌دهد و موفقیت ارتباط به میزان هماهنگی پیام با ظرفیت‌های شناختی و انگیزشی شاگرد بستگی دارد. نظریه‌های شبکه‌ای و سیستمیک ارتباط، محیط کلاس را به عنوان سیستمی پیچیده می‌بینند که در آن هر کنش، هر بازخورد و هر نشانه رفتاری بر عناصر دیگر اثر می‌گذارد و جریان ارتباطی بدون ثبات، یکپارچگی و همخوانی نمی‌تواند پیام را به سطح یادگیری معنادار برساند. نظریه‌های ارتباط مشارکتی بیان می‌کنند که یادگیری مؤثر زمانی رخ می‌دهد که تمام اعضای کلاس در جریان تعامل فعال باشند و معلم به عنوان هماهنگ‌کننده عمل کند و نه تنها انتقال‌دهنده محتوا. نظریه‌های عاطفی یادگیری مدرن نشان می‌دهند که احساس امنیت، اعتماد و ارزشمندی شاگردان در طول ارتباط، ظرفیت پذیرش پیام را افزایش می‌دهد و بدون توجه به این عناصر، حتی پیام صحیح و روشن نیز نمی‌تواند تأثیر واقعی ایجاد کند. نظریه‌های معناشناختی نوین بیان می‌کنند که هر پیام باید در قالبی ارائه شود که امکان ترکیب آن با ساختار ذهنی فراگیر وجود داشته باشد و این ترکیب موجب تثبیت، توسعه و انعطاف دانش می‌شود.

نظریه‌های کلاسیک و نوین ارتباط مکمل یکدیگر هستند و رویکردهای خطی، پس‌خوراندی، تعاملی، ساخت‌گرایانه، شبکه‌ای و عاطفی هر کدام بخشی از درک جامع فرآیند ارتباط را ممکن می‌سازند و کاربرد آن‌ها در محیط آموزشی باعث ایجاد یادگیری معنادار، تعامل مؤثر، رشد شناختی و توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌شود و معلم با بهره‌گیری از این نظریه‌ها قادر است فضای کلاس را به محیطی پویا، انگیزشی و پاسخگو تبدیل کند. سلیمانی، ی. (۱۳۹۷).

### نقش زبان بدن و علائم غیر کلامی

زبان بدن و علائم غیر کلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت ارتباط کلاس درس دارند و هر حرکت، ژست، حالت چهره، تماس چشمی و ریتم حرکتی می‌تواند پیام‌هایی را منتقل کند که گاه از واژگان مؤثرتر هستند و دریافت‌کننده آن‌ها را به سطح عمیق‌تری از فهم هدایت می‌کند.

این نشانه‌ها در کنار گفتار موجب تقویت ادراک، تثبیت معنا و افزایش توجه می‌شوند و از دیدگاه نظریه‌های ارتباطی، پیام‌های غیرکلامی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند انتقال معنا محسوب می‌شوند و بدون آن‌ها پیام به شکل ناقص دریافت می‌گردد. هر تغییر جزئی در حالت بدن معلم، مانند ایستادن، نشستن، فاصله فیزیکی یا حرکت دست‌ها، می‌تواند دگرگونی در نحوه فهم فراگیر ایجاد کند و کیفیت تعامل را ارتقا یا کاهش دهد.

مطالعات روان‌شناسی ارتباط نشان می‌دهند که نشانه‌های غیرکلامی موجب شکل‌گیری حس اعتماد، امنیت روانی و انگیزه در شاگردان می‌شوند و معلمی که توانایی مدیریت این نشانه‌ها را دارد، قادر است فضای کلاس را برای یادگیری فعال، مشارکت و توجه بهینه آماده کند. تماس چشمی مستمر، حرکت هماهنگ دست‌ها، تن صدا و حالت چهره همخوان با پیام کلامی، گیرنده را به سطح بالاتری از ادراک هدایت می‌کند و پیام به صورت یکپارچه در ذهن فراگیر تثبیت می‌شود. عدم هماهنگی میان کلام و رفتار غیرکلامی باعث ایجاد ابهام، کاهش اعتماد و ضعف توجه می‌گردد و هر گونه ناسازگاری بین این عناصر می‌تواند مانع درک دقیق مفاهیم شود. علائم غیرکلامی ابزار قدرتمندی برای بازخورد آنی محسوب می‌شوند و معلم می‌تواند با مشاهده حالت‌های چهره، زبان بدن، نشانه‌های اضطراب یا علاقه فراگیر، جریان یاددهی خود را تنظیم کند و پیام را اصلاح، تقویت یا تکرار نماید. این بازخورد لحظه‌ای موجب افزایش انعطاف‌پذیری تدریس، تقویت یادگیری فعال و تعامل مؤثر می‌شود و نشان می‌دهد که زبان بدن نقش مکمل و گاهی پیشرو در فرایند ارتباط دارد. ژست‌های باز و خوشایند، حرکت هماهنگ دست‌ها، لبخند و تن صدای گرم، توجه شاگرد را جلب کرده و حس آرامش، انگیزه و تعلق به محیط یادگیری را تقویت می‌کند.

نظریه‌های پردازش اطلاعات نشان می‌دهند که علائم غیرکلامی موجب کاهش بار شناختی می‌شوند و پردازش پیام را برای ذهن فراگیر ساده‌تر می‌کنند زیرا بخش زیادی از اطلاعات به صورت مستقیم از طریق رفتار و حالت بدن منتقل می‌شود و ذهن را برای دریافت و تحلیل مفاهیم آماده می‌سازد. هماهنگی رفتارهای غیرکلامی با محتوا موجب افزایش انسجام پیام، تسهیل ساختاردهی دانش و تقویت حافظه بلندمدت می‌شود و یادگیری را به سطح عمیق‌تری هدایت می‌کند. نقش زبان بدن در ایجاد ارتباط عاطفی نیز قابل توجه است زیرا حالت‌های مثبت